

نکته‌ها (۲۴)

○ رضا مختاری

نکته (۱۰۹)

در باره برخی نواقص رساله‌های عملیه رایج، در برخی نکته‌های پیشین، مطالبی گذشت. اینک می‌افزایم که بیش از یکصد سال پیش در حوزه علمیه نجف اشرف مجله‌ای فارسی منتشر می‌شده است به نام درة النجف، که شماره هفتم و هشتم آن در ذی‌قعدة سال ۱۳۲۸ هـ. ق منتشر شده است. صاحب امتیاز آن حاج حسین اصفهانی و رئیس تحریر آن آقا محمد محلاتی بوده‌اند. جالب اینکه در شماره مذکور آن که حدود یکصد و پنج سال پیش منتشر شده مکتوبی بسیار جالب از یکی از عالمان تبریز - که نامش دانسته نیست - حاوی پیشنهادهایی راجع به چند و چون و کم و کیف رساله‌های عملیه هست.

دیگر اینکه نشر مجله فارسی در حوزه قم در حدود پنجاه سال پیش مانند مکتب تشیع و مکتب اسلام، پدیده‌ای خیلی شگفت‌تلقی شده در حالی که بیش از

یکصد سال پیش در نجف مجله فارسی منتشر می شده است. اینک متن مکتوب مذکور و سپس نظر هیئت تحریریه مجله درّه النجف:

مکتوب یکی از علمای واقف به مقتضیات عصر امروزه به حضور هیئت علمیه ۱۹ شعبان ۱۳۲۸ از تبریز

خدمت با سعادت هیئت محترمه علمیه نجف اشرف (زادها الله شرفاً) عرض می شود کتب فقهیه اغلب با زبان عربی و اکثر از خواندن خاصه فهمیدن اصطلاحات محروم هستند و اهمی که از جانب مقلدین اساطین بر مسائل عبادات شده عشری از آن بر سایر مسائل مصروف نگردیده اگر چه جزئیات حوادث غیر محصور، و باب اجتهاد ممتنع الانسداد، از وجود مجتهدحی استغنائی نیست، اما اگر سایر مسائل نیز مانند عبادات مشروحاً و مفصلاً بافروع متصوره و ممکن الاستیفاء تدوین و طبع شود خیلی اسباب سهولت کار خواهد شد.

مخصوصاً پاره [ای] مسائل عامّ الابتلاء هست که غالباً محتاجّ الیه عوام بوده و دائماً استفتاء می نمایند و اگر فتاوی حجج الاسلام که مقلد عامه هستند در دست و شیوع عامّ داشته باشد سائل و مسؤول هر دو آسوده خواهند بود. در این باب آنچه به عقل قاصر می رسد این است که حضرات آیات الله (مد ظلهم العالی) حکم فرمایند که مسائل متعلقه به مکاسب و قضاء و شهادت و غیره با ملاحظه شروطی که عرض خواهد شد تدوین و از نظر شریعت مخیر گذرانیده، تصدیق نمایند تا در میان عموم منتشر شود، عوام و خواص از او بهره مند گردند.

ملاحظات معروضه به نحو ذیل است:

(اول): با زبان فارسی وضع سهل العبارة باشد،

(دوم): مرتب [با] نمره و فصل باشد،

(سوم): مسائل از هم جدا شده، در یک بند و دو مسئله بیشتر ذکر نشود،
(چهارم): بر فروع مندرجه در کتب فقهیه قناعت نفرموده، بلکه فروعی که
عوام با مرور آیام مبتلا شده و سؤال کرده اند و در بعض سؤال و جواب ها
درج است تحت نظر دقت گرفته حکم مسئله بدون تعرض به ترتیب و کیفیت
سؤال تعرض نمایند و خیلی معین است برای این مطالب کتاب جامع
الشتات میرزای قمی و سؤال و جواب حجة الاسلام اصفهانی و حاجی
ملا محمد اشرفی (رحمهم الله).

بلکه قناعت بر آن نکرده، آنچه ممکن است تعمق شده فروع متصوره و
محتمله را به قدر مقدور استیفاء و تشقیق شقوق و اقسام نمایند چنانچه
مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتی در مسائل فرموده [است].

(پنجم): تبعیت ابواب کتب معموله فقهیه را لازم ندانند و فروع متعلقه به
موضوع واحد را در ابواب متعلقه ایراد نمایند؛ مثلاً احکام متعلقه به اولیاء و
مولی علیهم را در کتب فقهیه هر فرعی را به اقتضایی نوشته اند که احاطه بر
فروع و تذکر محل ذکر آن مخصوص فقهاست و چه قدر مستحسن است که
چنانچه بابتی برای وکالت مخصوص کرده اند، بابتی برای ولایت مخصوص
نمایند و اقسام اولیاء را از اولیاء عامه و خاصه به استیفای احکام و تکالیف و
تعیین مقدار سلطنت آنها و هکذا اقسام مولی علیهم را با ملاحظه جمیع فروع
ذکر نمایند.

و مضایقه نیست که در سایر مواقع لازمه که ذکر فرعی از فروع می شود
اخطار شود که رجوع به فلان فصل نمایند.

(ششم): فصول و بندها را از هم جدا و به طرز جدید معمول نوشته شود،
(هفتم): سایر مجتهدین عظام اگر خلافی داشته باشند مانند رساله عملیه
عبادات در حاشیه یا ذیل صفحه به علامت نمره و عدد توضیح فرمایند.

(هشتم): اگر قناعت بر واجبات و محرمات بشود بهتر است،
(نهم): مختصر فهرستی در صدر کتاب برای سهولت پیدا کردن ابواب و
فصول معین نمایند.

اگر معروضات حقیرانه را با ترتیب کتب فقهیه موازنه فرمایند تصدیق خواهند
فرمود که آنچه تصور شده تا چه درجه سهل الوصول تر است.
زیاده عرض نمی کند. و السلام خیر ختام (امضاء محفوظ).

دره النجف:

حوزه علمیه نجف اشرف بکمال مسبقند که امروزه اولین وظیفه ایشان
تشکیل جمعیتی است مخصوص به جهت انجام این مقصود مهم که دارای
سه قوه باشد:

یکی: قوه تصرف که در استنباط فروع مستحدثه از مدارک و تطبیق با قواعد
فقهیه به طوری که با مذاق جمهور فقها (رضوان الله علیهم) ملائمت تامه
داشته باشد با رعایت و ملاحظه حقوق سیاسی امروزه ملک و ملت اسلام که
چه بسا تجویز و تحریم موضوعی موجب ضعف اسلام و تقویت کفر گردد،
چنانچه در سنه دخانیه استیلاء کلمه انگلیس بر ایران منشأ تحریم دخانیات
گردید.

دوم: قوه تتبع که احاطه تامه به جمیع ابواب و فروع فقهیه داشته باشد؛ چه
البته معلوم است که در ذکر و تعرض فروع میزانی مضبوط در دست نبوده و
چه بسا دو فرع متعلق به یک موضوع در طی دو باب مختلف طرح شده که
بدواً ذهن غیر فقیه متتبع هرگز بدان منتقل نخواهد شد و این مطلب هم
مخفی نماند که این قوه تتبع بایست جداً در تحت نظارت قوه متصرفه باشد
که مخصوصاً ملحوظ و منظر فقها (رضوان الله علیهم) را در تذکار فروع در
تحت عنوانی بدون مناسبت جلیه تعقیب نماید و پس از جَوَلان انظار ثاقبه

صحت و سقم ایراد آن را در آن موقع تصدیق فرمایند.

سوم: قوه انشاء که در تقریر و تعبیر از اصطلاحات فقهیه بر حسب تفاهم عصر جدید در کمال سهولت و سادگی آشنا باشد.

گرچه تشکیل این جمعیت با ملاحظه قوای ثلاثه به طوری که بتوان آتیه روحانیت اسلام را از اثرات این جمعیت تبریک گفت بدون یک مؤونه کافی به مقدار تعیش اعضاء و مصرف وافی از برای نشر تصنیفات و تالیفات ایشان هرگز صورت نخواهد گرفت و امروزه از همت ارباب ثروت مسلمین به هیچ وجه ترقب اقدام در اینگونه از امور لازمه خیریه نیست.

ولی رجاء کامل از اقدامات سنیه ریاست روحانی مذهب جعفری چنان است که پس از تصفیه اوضاع ایران و رفاهیت خاطر عاطرشان از استخلاص مملکت اسلامی از چنگال قشون روس، توجهی به تأسیس و تشکیل این جمعیت فرمایند و تمام همت والای خود را در انجام آن به ترتیب یک نظام نامه که حاوی وظائف اعضاء کمآ و کیفاً باشد اعمال و مصروف دارند.

چنانچه مشیخه اسلامیة حضرت سماحنا [کذا؟] و محمد کاظم افندی (دام ظلّه العالی) به تشکیل جمعیتی مشتمل بر هشت نفر اعضاء اقدام فرموده و تصفیه امور روحانیه ملت عثمانی را به ضمانت صدارت عظمی در اجراء آن به عهده گرفته اند از آن جمله اینکه تمام قضاة عثمانی علی اختلاف مراتبهم از ولایت و متصرفی و قائم مقامی و مدیری بایست در این جمعیت امتحانات مراتب علمی و عملی خود را داده پس از تصدیق جمعیت وامضاء مشیخه اسلامیة به مأموریت لایقه به مقام علمیت نائل و موفق خواهد شد.^۱

۱. مجله درة النجف، سال اول، شماره هفتم و هشتم، ذیقعدة ۱۳۲۸ هـ. ق، ص ۳۱۶-۳۲۲.

نکته (۱۱۰)

مرحوم آیه الله سید علی بهشتی (قدس سره) از فقهای بزرگ نجف اشرف و به لحاظ علم و عمل و تقوا پس از وفات آیه الله خویی (قدس سره) لیاقت جانشینی ایشان را در امر مرجعیت داشت، ولی مرجعیت را متواضعانه نپذیرفت و زیر بار آن نرفت و خودش تصریح کرد: «لا ندعی لِنفسنا شیئاً». ^۲ جالب اینکه متواضعانه سؤالات و استفتاءاتی راجع به عبارات آثار فقهی معاصران و همطرازان و حتی احیاناً پایین تر از خود را پاسخ گفته است. شایسته است اینگونه روحیه ها در حوزه ها تقویت شود و کسانی که در صدد تصددرند و برای رسیدن به آن دست و پا و نفس می زنند و به الوان مختلف در پی آنند، از انظار ساقط شوند و جاه طلبی آن قدر قبیح و مستهجن تلقی شود که کسی دلش هوای آن نکند و به مجرد ظهور نشانه های آن، مدعی منفور شود. به هر حال به این سؤال و جواب از آیه الله بهشتی عنایت شود:

س: هل يجوز لنا الخوض في حديث العلماء و سيرتهم خاصة في مسألة العلمیة بینهم، مع العلم أن مثل هذا الحديث قد یجرّ للطعن فیهم أو فی واحد منهم علی أقلّ تقدیر، فهل ترشدوننا فی هذا ماجورین؟

ج: باسمه تعالی: یجوز ذلك بل یجب لتشخیص الأعلم و غیر ذلك من الشرائط المعترّبة فی التقلید و لیس ذلك موجّباً للطعن؛ لأنّه لیس من العیب للعالم أن یكون من هو أعلم منه (وفوق كلّ ذي علمٍ علمٌ) ^۳ و هذا موسى (ع) و هو من الأنبياء أولی العزم كان هناك من هو أعلم منه فی بعض الأمور.

و یجب أن یكون البحث فی ذلك بالطرق الشرعیة المقرّرة لاعن الهوی فكما أنّ المقلّد یكون معذوراً إذا اشتبه فی تشخیصه بعد سلوكه الطريق الشرعی، فكذلك یكون المجتهد معذوراً إذا اشتبه فی تشخیص جامعیه لشرائط التقلید.

۲. مسائل و ردود، ص ۲۶، سؤال ۱۵ و نیزر. ك: ص ۲۲، سؤال ۷.

۳. یوسف، آیه ۷۶.

هذا و يمكنكم استثناؤنا من البحث و الفحص حيث لا ندعي لنفسنا شيئاً و

إنما نجيب لما ذكرناه سابقاً . و الله العالم .^۴

آية الله سيد عبدالحسين لاری (قدس سره) از شاگردان مبرز و مجاهد میرزای بزرگ شیرازی است که به امر آن بزرگوار به سمت فارس حرکت کرده^۵ و سالهای متمادی در آن خطه منشأ خدمات بسیار بوده است . از مطلبی که در پی می آید - حاوی سؤال و مکتوب یکی از علمای فارس به ایشان پس از وفات میرزای بزرگ ، و نیاز شدید مردم آن خطه به مرجع تقلید و رساله عملیه ، و پاسخ سید لاری - معلوم می شود که آن بزرگوار قبل از وفات میرزا رساله ای آماده نکرده و در پاسخ اصرار آن عالم مرقوم فرموده است : « ... کرات و مرات نوشتن ام که بقا بر تقلید آقای حجة الاسلام [میرزای شیرازی] مورد و محل اطمینان داعی است بر صحت عمل و کفایت از عدول» .

متن این سؤال و جواب این است :

سؤال نوزدهم : فدای تراب نعال مبارکت گردد این عبد عاصی جانی فانی محمد ابن زایر علی اشکنانی ، دخیل دخیل رساله سرکار خودشان بفرستند که زیاد زیاد ضروری است . در باب هجرت از این ولایت آنچه مصلحت این عبد تبه روزگار می دانند زحمت کشیده بنویسند (جزاك الله خيراً) رساله خودتان ، هرگاه از چاپخانه نیامده یک رساله محتاط بسیار خوبی از جهت این ذره فرستاده باشند که تا عمل به آن نموده باشیم به صحت آن مقتدای الانام . مدتی است که بعد از وفات حجة الاسلام [یعنی میرزای بزرگ شیرازی] معطل و سرگردان و متحیر و پریشان و در کار خود مستأصل و درمانده هستم و عبادات هباءً منشوراً گردیده چند نفر از برادران ایمانی و

۴ . مسائل وردود ، ص ۲۶ ، سؤال ۱۵ .

۵ . ر . ک : رسائل سید لاری ، تحقیق سید علی میر شریفی ، ج ۱ ، ص ۱۳ .

اخوان روحانی که تردّد و آمد و شد [دارند و] با این ذره هم جلیس و حیب هستند هم بی تقلید می باشند، این ذره هیچ علاجی ندارد، چه در جواب ایشان بگوید تقلید میت که به کار نمی خورد، البته الف البته رساله که عمل بتوان کرد فرستاده باشید. شما امروز جای امام نشسته اید، بر شما واجب و لازم و مصمم است که راهی به دست شیعیان و امتان پیغمبر داده باشید، زیرا که در این صفحه جات ملائست، در گردن شماست، فردای قیامت دامن شما [را] خواهم گرفت و شکایت در نزد جناب شفیع المذنبین خواهم کرد. رساله فرستاده باشید. شرم از خدا و رسولش نمایید.

جواب: جواب این مسئله و رفع این شبهه مفصلاً نوشته شد سابقاً. گذشته از این از وقتی که فتح باب کلام شده تا حال شما به قدر یک رساله استفتاء نموده اید اگر به نصف آن عمل شود کفایت می کند، علاوه بر این، فتح باب احتیاط نشده [کذا، ظ: شده] که کافی از تقلید است، ایضاً علاوه بر این کرات و مرآت نوشته ام که بقاء بر تقلید آقای حجة الاسلام مورد و محل اطمینان داعی است بر صحت عمل و کفایت از عدول.^۶

سؤال شصت و ششم: این ذره عوام کالانعام بلکه از انعام پست فطرت، ولیکن اسمش به انسان است نه حیوان، شما الحمدلله ملاً هستید. این عاصی خدمتت جسارت می کند باید بدتان نیاید. هرگاه مجتهد هستید باید رساله بیرون بیاورید؛ زیرا که بر شما واجب است. هرگاه مجتهد نیستید تقلید هر کس که می کنید رساله همان کس باید بفرستید. از برای این ذره اگر رساله دارید بفرستید. هرگاه خودتان الحمدلله مجتهد هستید رساله خودتان بفرستید. این عاصی آنچه مسائل خدمت عرض نموده و جواب فرمایش

۶. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آیه الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۴۹، (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد شماره ۱۰ از مجموعه آثار).

فرموده اید مردم تمام از قول این عاصی در کار عمل کردن می باشند به مسئله مسئله نوشتن درست نمی آید. رساله البته فرستاده باشید یا می خواستید در این دهات و قراهای خراب بی حساب تشریف نیاورید. رساله یا کتاب فارسی که بتوان عمل نمود فرستاده باشید.^۷

سؤال صدو نوزده: فدای تراب نعال مبارک گردد این ذره بی مقدار عاصی تبه روزگار محمد ابن علی الاشکنانی که زحمت کشیده جواب مسائل فرمایش بفرمایند و مسامحه نمایند. این عاصی تا حال تقلید مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی نموده حال تقلید سرکار حجة الاسلام. جناب حاجی میرزا محمد حسن دام ظلّه العالی می فرماید: رساله خود آنجناب ندارد محبت نموده هرگاه رساله دادند مرحمت بفرمایند رساله سرکار خودشان بفرستند چند یومی مطالعه می شود فرستاده خدمت خواهد گردید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

جواب: اما تقلید غیر اعلم که باطل^۸ است و اما رساله غیر عربی آقای حجة الاسلام هم که فعلاً ندارم از برایت بفرستم هرگاه بعد میسر شد می فرستم.^۹

از پاسخهای سید لاری به برخی سؤالها زیرکی سید معلوم می شود و مشخص می شود که به هر استفتایی نباید جواب کتبی داد و جواب دادن به استفتاء ظرافت ها و ریزه کاری هایی دارد که بیش از هر زمان در زمان ما باید مد نظر و مورد عنایت باشد. یک نمونه از این سؤال و جوابها، چنین است:

۷. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آية الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۷۱، (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).

۸. شجاعت و صراحت سید در بیان حکم خدا ستودنی است.

۹. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آية الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۹۴ (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).

سؤال صد و هفده: هرگاه دختری از خاصه، زن عامه شده باشد می توان بی آنکه عامه طلاق او را بگوید به مکر و حيله يا به جبر از نزد شوهرش بیرون بیاورند یا الأفلأ؟ [کذا، شاید: یا فلا]

جواب: جواب این مسئله باید به مشافهه باشد نه مکاتبه و مبنی بر تقیه است نه حقیقه. ۱۰

نکته (۱۱۱)

مصالحه و دستگردان صوری در وجوه شرعی یکی از لغزشگاه هایی است که گاهی ظرایف آن رعایت نمی شود. در سیره امام موسی صدر گفته اند که به جای دستگردان وجوه شرعی، به مدیون و من علیه الخمس می گفت: «تا وقتی که توانایی پرداخت خمس نداری مجازی در آن تصرف کنی و هنگام قدرت بر پرداخت، باید پردازی و دیگر مجاز به تصرف نیستی». مدتی هم دفتر مرحوم آیت الله بهجت (قدس سره) به همین نحو عمل می کرد؛ زیرا فقیهی که حق دارد وجوه شرعی را به مدیون قرض بدهد، حق دارد به مدیون اجازه تصرف در شرایطی خاص بدهد. به هر حال این بحث دامنه داری است که إن شاء الله جداگانه به آن خواهیم پرداخت. در اینجا به نقل دو سؤال و جواب از میرزای نائینی اکتفا می کنیم:

س: لو صالح من يستحق الزکوة أو حق السادة مع من علیه الحق علی مقدار من الحق الواجب علیه بما يساوي ربه أو خمسة أو عشرة و نحو ذلك فهل یصح هذه المصالحة و یبرأ المتصالح عن ذلك المقدار الذي صولح علیه أم لا؟ و علی تقدیر الفساد فهل یجوز للمستحق المصالح المذكور أن یقبض العوض الذي صالح به أم لا ولو قبضه فهل یبرأ ذمّة من علیه الحق بذلك

۱۰. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ، آیه الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۹۴ (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).

المقدار أم لا؟ ولو كان المصالح المذكور هو وكيل المجتهد و صالح على مقدار من حق الامام(ع) أو المظالم أو مجهول المالك بما يساوي ربعه أو خمسة أو عشره فهل يصحّ ويبرأ ذمة من عليه الحق عن الحق الواجب عليه بهذا الصلح أم لا؟

ج: ليعلم اخواننا المؤمنون (أيدهم الله تعالى) أنّ المصالحات المذكورة من المكاييد والحيل التي اتخذها بعض من لا ييالي بالدين لغشّ المسلمين و اختلاس أموالهم ... وكلّها باطلة و لا تبرأ ذمة من عليه الحق من درهم ممّا عليه حتى أنّ العشر أو الخمس أو الربع الذي يدفعه إلى المصالح عوضاً عمّا صالحه عليه يتلف من ماله ولا يبرأ ذمته حتى بذلك المقدار؛ لأنّه لا يدفعه خمساً ولا زكوة ولا غيرهما، وإنّما يدفعه عوضاً عما يتخيّل انتقاله إليه بذلك الصلح الفاسد. ولا يحلّ للمصالح المذكور أيضاً قبضه. ولو صدرت عن وكيل المجتهد مصالحة كذلك انعزل عن الوكالة رأساً و كان خائناً.

نعم لو كان من عليه الحق جاهلاً بمقدار الحق الواجب عليه كما هو الغالب فيمن مضت عليه سنوات ولم يحسب في كلّ سنة بخصوصها ليعلم مقدار ربحه أو خسارته في تلك السنة و بعد أن مضت عليه مدّة [ندم] لما فرط في جنب الله و أراد تخليص أمواله من الخمس المتعلق بها ولا يعلم مقداره و تردّد بين العشرة مثلاً أو العشرين ففي مثل ذلك يجوز للمجتهد أن يصالحه بالمتوسط بين طرفي الأقلّ و الأكثر و هو الخمسة عشر في المثال، فيجوز ذلك لو كيّله أيضاً إذا كانت وكالته مطلقةً و فيما عدا أمثال ذلك من المجهولات لا يجوز الصلح على الحقوق الواجبة مطلقاً. فلا ينخدع إخواننا بأمثال هذه الخدائع إن شاء الله تعالى.

س: لو دفع من عليه الحق قدرأ يعتدّ به من الحق الواجب عليه إلى من يستحقّه ثمّ ردّ المستحقّ بعضه أو كلّه إلى دافعه هبة منه له فهل يجوز ذلك و

تبراً ذمّة الدافع عمّا دفعه إلى المستحق مع رده إليه أم لا؟

ج: هذا أيضاً من وجوه الحيل المعمولة لإبطال الحقوق الإلهية، ويسمى بالفارسية دستگردان وهو أيضاً كسائر الحيل المعمولة في هذا الباب لايجدي شيئاً، فلو فرض أنّ المستحق لو ملك هذا المال بكّد يمينه أو ميراثاً من أبيه يهبه من هذا الدافع كان الرد إليه على هذا التقدير هبةً صحيحةً شرعيةً والدفع إليه واقعياً موجباً لبراءة الذمة.

و أما هذه الصورة المبنية من أول الأمر على الإعطاء والردّ فليست إلاّ اللعب المحض. ولو عدل من عليه الحق في براءة ذمته بهذا اللعب كان كمن اعتمد على «سراب بقیعةٍ يحسبه الظمآن ماءً حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً و جدالله عنده فوقه حسابه». أعاذنا الله تعالى جميعاً عن الحسرة العظمى عند الموت و في العقبات بعده بالنبي وآله الطاهرين.^{۱۱}

نکته (۱۱۲)

نکته ای آموزنده از امام خمینی در باب وجوه

حجة الاسلام شیخ محمود قوچانی می گوید:

یکی از مقلدان امام مبلغ زیادی را به عنوان وجوهات به یکی از علمای تهران داده بود تا آن را خدمت امام برساند. ایشان اشتبهاً آن مبلغ را برده بود خدمت آیت الله حکیم و از ایشان قبضی گرفته و برگشته بود و قبض را پس از بازگشت به ایران به آن شخص مقلد داده بود. آن شخص گفته بود که من گفتم این پول را خدمت حضرت امام بدهید چرا قبض آیت الله حکیم را

۱۱. رساله عملیه محقق نائینی (وسیلة النجاة)، چاپ نجف، مطبعة حیدریه، ۱۳۴۰ هـ. ق، ص ۶۱-۶۲. از دوست گرامی و فاضل محترم جناب مستطاب آقای سید جواد ورعی که این نکته را در اختیارم نهادند سپاسگزارم.

برای من آورده ای؟ آن عالم سریع بلیت هواپیما گرفت و به عراق بازگشت و رفت خدمت مرحوم آقای شیخ نصر الله خلخالی و گفت من پول را به اشتباه به خدمت آقای حکیم داده و قبض گرفته ام اما شخص صاحب پول قبض امام را می خواهد. آقای خلخالی هم قبض را گرفت و به خدمت امام آورد. امام تا آن قبض را دیدند آن را گرفتند و فوراً یک قبض رسید نوشتند، یعنی خودشان قبض دادند نه اینکه قبض آیت الله حکیم را تأیید کنند. قبضی صادر کردند که آن مبلغ پول رسید. ۱۲

فهرست

۳۱۵

نگنه ما (۲۴)

نکته (۱۱۳)

«حیّ علی خیر العمل» در اذان مسجد الحرام در سال ۵۷۹

ابن جبیر در سفر نامه اش گوید:

و للحرم أربعة أئمة سنية و امام خامس لفرقة تسمى الزيدية. و أشرف أهل هذه البلدة على مذهبهم و هم يزيدون في الأذان «حيّ على خیر العمل» إثر قول المؤذن: «حيّ على الفلاح» و هم روافض سبّابون [كذا] و الله من وراء حسابهم و جزائهم و لا يجمعون مع الناس، إنّما يصلّون ظهراً أربعاً، و يصلّون المغرب بعد فراغ الأئمة من صلاتها.

فأول الأئمة السنية الشافعي، رحمه الله، و إنّما قدّمنا ذكره، لأنّه المقدم من الإمام العباسي و هو أول من يصلّي، و صلاته خلف مقام إبراهيم صلّي الله عليه و سلّم و على نبينا الكريم، إلّا صلاة المغرب؛ فإنّ الأربعة الأئمة يصلّونها في وقت واحد مجتمعين لضيق وقتها: يبدأ مؤذن الشافعي بالإقامة ثمّ يقيم مؤذّنو سائر الأئمة، و ربّما دخل في هذه الصلاة على المصلّين سهو و غفلة لاجتماع التكبير فيها من كلّ جهة فرّبما ركع المالكي بركوع الشافعي

۱۲. خاطرات نجف اشرف، ج ۱، ص ۱۹۱.

أو الحنفي أو سلم أحدهم بغير سلام إمامه، فترى كل أذن مصيخة (كذا، ظ: مصغية) لصوت إمامها أو صوت مؤذنه مخافة السهو. ومع هذا فيحدث السهو على كثير من الناس.

ثم المالكي، رحمه الله وهو يصلي قبالة الركن اليماني وله محراب حجر يشبه ... ۱۳.

مشکلی که در سده ششم در مسجد الحرام به سبب همزمانی چهار نماز جماعت بود و اهل سنت اکنون آن را برطرف کرده اند؛ هنوز در برخی مراکز دینی ما شیعیان وجود دارد از جمله در نماز جماعت های همزمان حرم مطهر حضرت سید الشهداء (علیه آلاف التحية والثناء و ارواحنا فداه)^{۱۴} و الی الله المشتکی.

نکته (۱۱۴)

کتاب نزهة الأبصار و محاسن الآثار اثر جالبی است که نسخه منحصر به فرد آن اخیراً پیدا شده و مرحوم علامه محمد باقر محمودی او آخر عمر آن را تصحیح و فرزند برومندش شیخ محمد کاظم محمودی آن را برای چاپ مهیا و منتشر کرد.

این کتاب حاوی کلمات نورانی امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) است و دهها سال پیش از نهج البلاغه تألیف شده است. ماجرای ذیل در ص ۳۸۳ کتاب مذکور، پس آموزنده و درمان برخی دردهای جامعه ماست و نشان دهنده اینکه حضرت امیر علیه السلام چقدر به اطرافیانش میدان داده که چنین با او سخن بگویند و چه جوانان پاک دامنی تربیت کرده که در چنین شرایطی بگویند: «نصبر إلى أن يوقى الصابرون أجرهم بغير حساب».

۱۴. رحلة ابن جبیر، بیروت، دارومکتبة الهلال، ص ۷۰، ۲۰۰۳ م.

۱۴. ر. ک: کتاب شیعه، ش ۱ (بهار و تابستان ۸۹) مقاله «از قم تا نجف اشرف»، ص ۲۹۶.

[قوله (ع) لجاریته بعدما أحببها بعض الشباب]

و یروی أنّ جاریة كانت له (ع) تخرج إلى السوق و تقضي حاجتهم [كذا،
ظ: «حاجته» أو «حاجتها»]. فرجعت إليه يوماً، فقالت له: يا أمير المؤمنين
إنّ الشابّ الذي يؤذّن لك يتعرّض لي كلّما خرجت فيقول: «إني أحبّك!»
فقال لها: «فقولي له أنت أيضاً: انّي أحبّك، فمه؟». فذهبت الجارية يوماً
في حاجتها فاستقبلها الشابّ فقال لها: «إني أحبّك» فقالت الجارية: «وانّي
أحبّك أيضاً، فمه؟» فقال الشابّ: «نصبر إلى أن يوفّي الصابرون أجرهم بغير
حساب»، فسمع مقالها فاعتق الجارية و زوجها من الشابّ.

نکته (۱۱۵)

پاسخ آیت الله بروجردی به استفتاء یک معلم

مرحوم آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (قدّس سرّه) در پاسخ به استفتای
یکی از معلمان اردکان که از او در مورد تصرف در حقوق دولتی اذن خواسته بود، اذن
خود را موکول به دو امر دانسته است: ترویج مبانی دینی و پاسخ به شبهات.

متن اصلی این استفتاء در ضمن اسناد علی سپهری اردکانی بوده و در کتاب

زیر آمده است:

مجموعه اسناد علی سپهری اردکانی، دفتر اول (معرفی میراث مخطوط:

۵۰)، نوشته سید صادق اشکوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ هـ. ش،

ص ۱۵۰. ۱۵۰

۱۵. از دوست گرامی و فاضل محترم جناب مستطاب آقای عبدالحسین طالبی که این نکته را در
اختیارم نهادند سپاسگزارم.

استفتاء از آیت الله بروجردی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

محضر مقدس فیض اثر بندگان حضرت مستطاب اجل آیت الله فی الارضین

آقای حاج آقا حسین بروجردی (متع الله المسلمین بطول بقائه).

احتراماً به عرض اقدس عالی می‌رساند: فدوی که شاغل به شغل دبیری

قرآن، شرعیات، عربی کلاس‌های دبیرستان و مدیر و سرپرست دبستان

شش کلاسه اردکان می‌باشم، در قسمت حقوق خود که مسلماً بدون شبهه

نیست از آن جناب استیذان نموده اجازه می‌خواهم دستور فرمایند به نیابت از

حضرت مستطاب عالی قبول نموده مجدداً به خود تملیک نمایم و نسبت به

سنوات سابقه هم تصحیح فرمایید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته من العبد الاحقر الجاني محمد بن

الحاج ملاعلي الاردکاني .

جواب دفتر حضرت آیت الله بروجردی

حضرت عالی وکیل به حقوق خودتان از طرف حضرت آیت الله می‌گردید و

واگذار به خودتان کنید در گذشته و آینده، ولی فرمودند به دو شرط: اول آن

که تعلیم شرعیات به اطفال بکنید و ثانیاً شبهاتی که ... معلمین به اطفال

کرده اند از ذهن اطفال بیرون کنید... . و رحمة الله و برکاته.

الاحقر عبدالوهاب الموسوي اليزدي .